

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شمس الدین امانتی
۱۰ اگست ۲۰۱۳

اعمال محدودیتهای اجتماعی و اقتصادی برای بیسوادان

نظام اکابر در سال ۱۳۱۵ به طور رسمی در ایران تصویب شد. در ابتداء تشکیل کلاسهای اکابر برای افراد خارج از سن تحصیلی در مدارس و مکانهای دولتی برای کارکنان بیسواد دولت و مؤسسات عمومی اجباری شد و از سال ۱۳۲۰ به بعد گسترش یافت.

به دنبال پیام خمینی در هفتم دی ماه [جدی] سال ۱۳۵۸ سازمان نهضت سواد آموزی با "هدف" بسواد کردن بیسوادان در ایران تشکیل شد.

طبق سند جهانی که توسط دولت اسلامی به امضاء رسید، ایران متعهد شد "تا سال ۲۰۱۵ میلادی شاخص های سواد در جامعه را ۵۰ درصد بهبود بخشد."

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی روخوانی قرآن جزو مهارتهای لازم برای سواد آموزی محسوب می شود. "مروری مختصر بر شیوه های حل بی محتوا و غیر علمی مأمورین رژیم در راستای پیام خمینی در سازمان نهضت سواد آموزی و اظهارات معاون آموزش ابتدائی وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی که وعده داد "تا دو سال آینده بیسوادی در ایران ریشه کن خواهد شد." خواهیم کرد.

علی باقرزاده رئیس نهضت سوادآموزی رژیم اسلامی در گفت و گو با خبرنگار مهر، از ارائه محدودیتهای اجتماعی و اقتصادی برای افراد بی سواد خبر داد، او گفت "این محدودیتهای به تصویب کمیسیون اجتماعی مجلس رسیده است و در حال حاضر منتظر ابلاغ آن به دستگاههای مختلف کشور هستیم. به عنوان مثال به افراد بی سواد گواهینامه رانندگی و یا پروانه کسب داده نمی شود اگر هم افراد بی سواد گواهینامه رانندگی داشته باشند برای تمدید آن نیازمند سواد آموزی هستند."

توسل به زور و ارباب در تقابل با منطق، علم و آموزش در سخنان تهدید آمیز این مأمور رژیم مضحک و چندان آور است. بریدن نان بخور و نمیر تعدادی از کاسب کاران به جرم بیسوادی که عامل اصلی آن خود رژیم اسلامی است در نهایت به افزایش بیکاری، فقر و فلاکت در جامعه منجر خواهد شد.

به گزارش روزنامه اعتماد "در ایران سالانه ۲۲ هزار کودک، به موقع وارد مدرسه نمی شوند و ۸۰ هزار دانش آموز اول تا چهارم دبستان نیز ترک تحصیل می کنند." برپایه گزارش مزبور افزایش سالانه ۸۰ هزار نفر به آمار بیسوادان در کشور در حالی است که در سرشماری سال ۹۰ مشخص شد "۱۴ درصد بیسوادان مطلق در گروه سنی بالای ۶ سال و ۷ درصد در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال هستند."

اگر این آمار درست باشد (هر چند جای اعتبار نیست) درمقایسه با آمار بیسوادی در کشورهای توسعه یافته که میزان بیسوادی در میان افراد بالاتر از ۱۳ سال بین ۳ تا ۴ درصد است، افزایش آمار بیسوادی در ایران به گفته خود این رئیس "جای نگرانی است."

عدم تمدید پروانه کسب و کار به جرم بیسوادی برای کارگر و زحمتکشی که بیش از ۵۰ سال از عمر مفید خود را در دکان محقری مشغول به آهنگری است، چه ربطی به بیسوادی و حل آن در جامعه تحت حاکمیت رژیم دارد، که خود پرچمدار فرهنگ ارتجاعی، تفکیک جنسیتی و عدم امکانات پرورشی در سطوح مختلف آموزشی است؟ آموزش و پرورش رژیمی که بعد از ۳۵ سال حاکمیت سیاه خود هنوز "۱۴ درصد" از کودکان آن در گروه سنی بالای ۶ سال بیسواد مطلق هستند، سرنوشت و آینده آنها در نظامی که خود عامل پخش مواد مخدر، بیکاری، فقر و فلاکت است، چگونه توضیح داده خواهد شد؟

نگاهی گذرا به وضع دست فروشان بدون پروانه کسب و کار در گوشه و کنار خیابان ها و معابر عمومی را که در صد بالائی از آنها مدارک تحصیلی دیپلم و لیسانس دارند، چه کسی جوابگو است؟

راننده زحمتکش و بیسوادی که ۶۰ سال از عمر مفید خود را به این کار اختصاص داده طی چه مدتی و با کدامین امکانات قادر به کسب خواندن و نوشتن خواهد شد، تا با قبولی در آزمون آئین نامه موفق به کسب مجدد گواهی نامه رانندگی شود؟ طی مدتی که گواهی نامه این رانندگان به "جرم بی سوادی" ضبط خواهد شد چه کسی مسئولیت هزینه خانواده آنها را عهده دار خواهد بود؟

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی رژیم با اعلام این که بیشتر بی سوادان کشور را زنان تشکیل می دهد، از اجرای طرح کوپون سوادآموزی خبر داد و گفت "افراد بی سوادی که خود در جهت سوادآموزیشان اقدام کنند، می توانند سرانه سوادآموزی را دریافت کنند."

به دنبال طرح تهدید آمیز "ضبط گواهی نامه و عدم صدور پروانه کسب مجدد برای بی سوادان" اجرای طرح کوپون سوادآموزی حیلۀ شرعی دیگری است که در تکمیل اعمال محدودیت های اجتماعی و اقتصادی برای افراد بی سواد مخصوصاً زنان در نظر گرفته شده است.

به این ترتیب سیستم کوپون سوادآموزی به دنبال کوپون بنزین، مواد خوراکی و ... که تا قبل از یارانه ها مرسوم بود در سازمان نهضت سوادآموزی به قانون تبدیل شده و حدود شرعی آن نیز توسط مأمورین رژیم در این سازمان به شرح زیر است.

در این طرح سرانه سوادآموزی به افراد بی سوادی که خود اقدام به سوادآموزی کرده اند تعلق می گیرد، این سرانه از ۳۸۰ هزار تومان تا ۴۸۰ هزار تومان متغیر است. همچنین هر فرد با سوادی که اقدام به سوادآموزی یک بیسواد کند می تواند سرانه سوادآموزی را دریافت کند.

سال ۱۳۴۸ در روستای "نودشه" یکی از بزرگترین روستاهای استان کرمانشاه معلم بودم، اغلب مردان این روستا مخصوصاً جوانان از کارگران فصلی بودند که برای کار چندین ماه از سال را در کردستان عراق سپری می کردند، این کارگران فصلی غیاباً در کلاس اکابر اسم نویسی می شدند ارتقای بدون حضور آنها به کلاس بالاتر اکابر بستگی به مدت زمانی داشت که آنها در کردستان عراق و سایر شهرهای ایران به گارگری مشغول بودند. بابت قبولی هر یک از این کارگران فصلی همیشه غایب، که بین معلمین تقسیم می شد ۵ تومان تعلق می گرفت. طرح کوپون سرانه سوادآموزی این بخش از آموزش و پرورش رژیم اسلامی بی شباهت به طرح ۵ تومانی اکابر در رژیم پهلوی سابق نیست.

اما اطلاع از راه حل علمی و انسانی کمونیست ها و کارگران پیروز در انقلاب کارگری ۱۹۱۷ شوروی سابق در مقایسه با تهدیدات آخوند های خرافه پرست مأمور در نهضت سواد آموزی رژیم اسلامی جهت ریشه کن کردن بیسوادی به دنبال پیام خمینی در سال ۱۳۵۸ خواندنی است.

در روز ۲۶ دسمبر ۱۹۱۹ نخستین سند تاریخی شوروی مربوط به نابود سازی بیسوادی در جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه به امضای لنین رسید. بنابراین قانون، همه کسانی که بین ۸ تا ۵۰ سال سن داشته می بایستی به زبان مادری خویش یا به زبان روسی خواندن و نوشتن را فرا بگیرند. طبق این قانون بیسوادانی که به کار اشتغال داشته روزانه به مدت ۲ ساعت با دریافت مزد تمام وقت می بایستی در کلاسهای سوادآموزی شرکت کنند. از آنجائی که برای آموزش توده های عظیم مردم معلم به قدر کافی وجود نداشت، بسیاری از روشنفکران و جوانان به صورت گروههای فرهنگی سوسیالیستی به نهضت سوادآموزی می پیوستند.

برای تأمین جای آموزش تمام اماکن دولتی و عمومی چون کلیساها، باشگاه ها، کارخانه ها و حتی خانه های شخصی در اختیار مرکز آموزشی قرار گرفت. در نتیجه این مبارزه بی وقفه تا سال ۱۹۳۴ بیش از ۹۰ درصد مردم توانا بودند به زبان بومی خویش بخوانند و بنویسند.

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی خواندن و نوشتن به زبان مادری جرم است و به جای آن روخوانی قرآن به مهارتهای لازم برای سواد آموزی محسوب می شود. "۲۰ هزار مدرسه قرآنی و ده ها هزار مسجد و حسینیه به این بهانه و بهانه هائی نظیر آن در ایران احداث شده که کوچکترین ربطی به سواد و سواد آموزی ندارد.

در مقابل کارگران و اقشار تهیدست جامعه را به جرم بی سوادی از ابتدائی ترین رفاهیات زندگی محروم و اجازه کسب و کار از آنها را پس خواهند گرفت.

اشاعه جهل و بی سوادی در مخالفت با آموزش سکولار و انقلابی یکی از پایه های اصلی بقای رژیم جمهوری اسلامی در طول حیات آن بوده و خواهد بود. در مبارزه با بی سوادی و اشاعه فرهنگ مترقی و سکولار و زدودن مذهب از مدارس و آموزش و پرورش در همه سنین، در همیاری و همفکری با کارگران آگاه و خانواده های مسؤول و متعهد، روشنفکران انقلابی و معلمان زحمتکش که برای دنیائی عاری از ستم طبقاتی و نابرابری در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مبارزه می کنند، لازم است آستین ها را بالا زد.

در ایران بدون سایه سنگین ستم و سرکوب رژیم مذهبی جمهوری اسلامی، ملیت های متفاوت بدون ترس از محدودیت های اجتماعی و اقتصادی به زبان مادری و لهجه های متفاوت خود خواندن و نوشتن را خواهند آموخت. در چنین جامعه سکولار و غیرمذهبی، آموزش به زبان مادری و یادگیری آن یا زبانی که مورد توافق همگان باشد، به دور از جنسیت، زور، مشکلات اداری و فنی، اقتصادی و اجتماعی شرط شکوفائی استعدادهای فردی و جمعی جامعه خواهد بود.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۶